

روح‌اله قابضی^۱

منطقه دریای خزر شامل دریا و کشورهای ساحلی آن می‌باشد. خزر به عنوان پهنه آبی منحصر به فردی است که در شمال غرب آسیا قرار گرفته و بین کشورهای ایران، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه محصور می‌باشد. این منطقه به دلیل عدم وجود منابع نفتی همواره آرام بوده است. اما از زمانی که زرمه‌هائی مبنی بر وجود منابع نفتی در این منطقه شنیده شده، این منطقه اهمیتی استراتژیک یافت. منابع نفت و گاز دریای خزر نسبت به منابع انرژی جهانی کم می‌باشند اما توانایی تاثیرگذاری بر عرضه انرژی در آینده را خواهند داشت. با توجه به اینکه استخراج و انتقال منابع این منطقه نیازمند سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی و همکاری کشورهای خارج از منطقه می‌باشد، خواه، ناخواه پای کشورهای دیگر نیز به این منطقه کشیده شده است. به همین خاطر اهمیت منطقه خزر صرفاً به خاطر جنبه اقتصادی نیست بلکه مسائل سیاسی و امنیتی نیز همواره در این میان مطرح بوده است. سرمایه‌گذاری در این منطقه با دو چالش عمده روبرو بوده است. یکی شرایط خاص جغرافیائی منطقه که استخراج و انتقال انرژی را با مشکل روبرو می‌کند و دیگری عدم تعیین رژیم حقوقی جدید دریا و مسائل مرتبط با آن. با توجه به این مشکلات، کشورهای ساحلی این دریا نمی‌توانند حداکثر بهره‌برداری را از منابع نفت و گاز خود به عمل آورند. در این نوشتار اهمیت منابع انرژی این منطقه، توان تولید و صدور انرژی از این منطقه، ذخایر کشف شده و احتمالی انرژی دریا، بازارهای مصرف انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، روند سرمایه‌گذاری و موانع عمده سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز این منطقه مورد توجه قرار گرفته است.

توان تولید و صدور انرژی

دریای خزر ۷۰۰ مایل طول دارد و یک پهنه آبی منحصر به فردی است که منابع عظیم نفت و گاز را در خود جای داده است. در میان کشورهای ساحلی این دریا تنها ایران عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) می‌باشد. بقیه کشورهای

۱. روح‌اله قابضی عضو هیأت علمی پژوهشگاه صنعت نفت است.

اتحاد جماهیر شوروی سابق را تشکیل می‌دادند که از سال ۱۹۹۱ به کشورهای مستقلی تبدیل شده‌اند. کشورهای این منطقه بطور تاریخی تولیدکننده نفت و گاز بوده‌اند. اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند که این منطقه حاوی ذخایر عظیم نفت و گاز می‌باشد که توان تولید آن از آنچه فعلاً تولید می‌شود بسیار بیشتر است. براساس گزارش دپارتمان انرژی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تولید نفت این منطقه ۱/۵-۱/۴ میلیون بشکه در روز بوده است که حدود ۱/۹ درصد تولید جهانی را شامل بوده است. تولید نفت در دریای خزر با برداشت از ذخایر کشف شده که از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر می‌باشند انجام می‌شود. حجم این ذخایر ۳۴-۱۸ میلیارد بشکه می‌باشد که معادل ۱/۸ تا ۳/۳ درصد ذخایر جهانی می‌باشد و از این نظر با آمریکا که دارای ۲۲ میلیارد بشکه و دریای شمال که دارای ۱۷ میلیارد بشکه ذخایر می‌باشند، قابل مقایسه می‌باشد. البته توان تولید بیشتر در این منطقه وجود دارد اما موانعی نیز در مسیر تولید بیشتر وجود دارد که در بخش انتهایی این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در رابطه با تولید گاز طبیعی، سهم مشارکت منطقه دریای خزر در تولید و عرضه جهانی بیشتر از نفت می‌باشد. اکثر ذخایر گازی کشف شده این دریا در منتهی‌الیه شرقی آن یعنی در مجاورت کشورهای ترکمنستان، قزاقستان، و ازبکستان قرار گرفته است. این منطقه با تولید ۴ تریلیون فوت مکعب گاز در سال حدود ۴/۸-۴/۷ درصد تولید جهانی گاز را دارا بوده است. حدود ۹۰-۸۰ درصد گاز طبیعی این منطقه متعلق به ۲ کشور ازبکستان و ترکمنستان می‌باشد. در جدول شماره یک تولید نفت و گاز این منطقه به تفکیک کشورهای ساحلی در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و همین‌طور پیش‌بینی میزان تولید در سال ۲۰۱۰ براساس گزارش دپارتمان انرژی آمریکا و مؤسسه آمکو به تفکیک برای کشورهای ساحلی دریای خزر و مقایسه آن با تولید جهانی نشان داده شده است.^(۱)

جدول شماره ۱

تولید نفت خام (هزار بشکه در روز)			تولید نفت خام (تریلیون فوت مکعب در سال)			کشور
دپارتمان انرژی	مؤسسه آمکو	دپارتمان انرژی	دپارتمان انرژی	مؤسسه آمکو	دپارتمان انرژی	
آمریکا	سال ۲۰۰۰	آمریکا	آمریکا	سال ۲۰۰۰	آمریکا	
سال ۲۰۱۰		سال ۲۰۰۰	سال ۲۰۱۰		سال ۲۰۰۱	
۱/۱	۰/۱۸۷	۰/۲۱۲	۱۲۰۰	۳۰۰	۳۱۷	آذربایجان
-	-	-	-	-	-	ایران
۱/۱	۰/۳۷۸	۰/۱۷۰	۲۰۰۰	۷۴۵	۸۰۴	قزاقستان
-	-	۰/۰۳	۳۰۰	-	۱۱	روسیه
۳۹۰۰	۱/۵۴۷	۱/۶۶	۲۰۰	۱۵۰	۱۴۸	ترکمنستان
۳	۱/۸۴۳	۱/۹۶۰*	-	۱۷۵	۱۵۲	ازبکستان
۹/۱	۴	۲/۰۵	۳۹۰۰	۱۴۰۰	۱۴۵۰	جمع
۱۶۲/۰۰۰	۸۵/۵۰	۸۴/۶۹*	۱۱۸/۳۰۰	۷۴/۵۱۰	۷۶/۸۲۱	جهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* براساس آمار سال ۱۹۹۹

ذخایر نفت و گاز منطقه

در خصوص میزان ذخایر نفت و گاز این منطقه آمارهای مختلفی بیان می شود. در جداول شماره ۲ و ۳ میزان ذخایر کشف شده و همین طور ذخایر احتمالی منطقه دریای خزر به تفکیک کشورهای ساحلی و همین طور در مقایسه با ایالات متحده آمریکا، دریای شمال، عربستان سعودی و سازمان اوپک به استناد گزارش مؤسسات معتبر نشان داده شده است.

جدول شماره ۲ (ذخایر نفت به میلیارد بشکه)

منطقه	کشور	ذخایر کشف شده نفت		ذخایر احتمالی نفت (دپارتمان انرژی آمریکا)
		مؤسسه آمو	دپارتمان انرژی آمریکا	
دریای خزر	آذربایجان	۷	۴-۱۳	۳۲
	ایران	-	۰/۱	۱۵
	قزاقستان	۸	۱۰-۱۸	۹۲
	روسیه	-	۲/۷	۱۴
	ترکمنستان	۰/۵	۰/۶	۸۰
	ازبکستان	۰/۶	۰/۶	۰
سایر مناطق	کل	۱۶	۱۸-۳۴	۲۹۳
	ایالات متحده آمریکا	۳۰	۲۲	۱۷۷
	دریای شمال	-	۱۷	-
	عربستان سعودی	۲۶۳	۲۶۴	-
	کشورهای سازمان اوپک	۸۱۴	۸۰۰	-
	جهان	۱/۰۴۶	۱/۰۱۷	-

جدول شماره ۳ (ذخایر گاز به تریلیون فوت مکعب)

منطقه	کشور	ذخایر کشف شده نفت*		ذخایر احتمالی نفت** (دپارتمان انرژی آمریکا)
		دپارتمان انرژی آمریکا	مؤسسه آمکو	
دریای خزر	آذربایجان	۱۱	۳۰	۳۵
	ایران	-	-	۱۱
	قزاقستان	۶۵-۷۰	۶۵	۸۸
	روسیه	-	-	-
	ترکمنستان	۱۰۱	۱۰۱	۱۵۹
	ازبکستان	۶۶	۶۶	-
	کل	۲۴۳-۲۴۸	۲۶۲	۳۰۰
سایر مناطق	ایالات متحده آمریکا	۱۷۷	۲۹۵	۱/۴۳۰
	دریای شمال	۶۸	-	-
	عربستان سعودی	۲۲۰	۲۱۴	-
	کشورهای سازمان اوپک	۲/۱۷۵	۳۴۴	-
	جهان	۵/۱۵۰	۵/۳۰۴	-

* با ۹۰ درصد قابلیت بهره‌برداری

** ۵۰ درصد احتمال کشف وجود دارد.

همانطور که جداول نشان می‌دهند، احتمال زیادی وجود دارد که ذخایر جدید نفت و گاز در این منطقه وجود داشته باشد و از طرفی بسیاری از میادین شناخته شده هم هنوز توسعه داده نشده‌اند. براساس برآورد دپارتمان انرژی آمریکا ۵۰ درصد احتمال وجود دارد که ۲۹۳ میلیارد

بشکه ذخایر نفتی به ذخایر فعلی اضافه گردد. در صورت وقوع چنین امری این منطقه می‌تواند ۲۵-۲۰ درصد از ذخایر کشف شده نفت دنیا را تصاحب نماید، با در نظر گرفتن افت مخازن پیش‌بینی می‌گردد در سال ۲۰۱۰ این منطقه بتواند تولید خود را دوبرابر نماید، یعنی روزانه ۳/۹ میلیون بشکه نفت تولید نماید.

روند سرمایه‌گذاری در دریای خزر

بهره‌برداری از منابع نفتی این دریا در قرن نوزدهم در منطقه آذربایجان (باکو) شروع گردید. اما در اوایل دهه ۷۰ با اعلام آمارهای وسوسه‌انگیز در خصوص منابع انرژی این منطقه بویژه کشف میدان قشاقان در قزاقستان که طبق برآوردها ۳۰-۱۰ میلیارد بشکه نفت را در خود جای داده است و حتی برخی گزارش‌ها که این منطقه را خلیج فارس دوم نیز نامیدند باعث شد که توجه شرکت‌های مهم بین‌المللی بویژه شرکت‌های آمریکایی، برای مشارکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری استخراج و انتقال نفت و گاز به این منطقه جلب شود. از سال ۱۳۷۰ تاکنون میلیون‌ها دلار در این رابطه سرمایه‌گذاری شده است. (تا سال ۸۱ حدود ۷۰۰ میلیون دلار).^(۲) این منطقه برای آمریکایی‌ها از چند جهت اهمیت داشت: اول مجاورت با سه کشور روسیه، ایران و چین که دارای سیاست‌های جهانی مستقل از آمریکا هستند. دوم، منابع بکر انرژی منطقه که با توجه به نیاز آمریکا به انرژی برای آنها اهمیت داشت. در این شرایط آمریکا به منظور رسیدن به اهداف خود، حتی تعهدات بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد. اعمال نفوذ مستقیم مقامات آمریکا در قراردادهای مختلف کشورهای حاشیه خزر، دخالت در کنسرسیوم نفت خزر، تشویق کشورهای ساحلی به عضویت در ناتو و همچنین تهدید دولتها و شرکت‌های نفتی فعال در منطقه از جمله موارد مداخله سیاسی آمریکا در برنامه‌های توسعه طرح‌های اقتصادی این منطقه است. اما در سالهای پایانی دهه ۹۰ انجام مطالعات و تحقیقات گسترده، خویش بینانه بودن آمارهای قبلی را اثبات کرد و ذخایر این منطقه را بسیار پایین‌تر از آنچه قبلاً بیان شده نشان داد. این امر انگیزه شرکت‌های غربی برای سرمایه‌گذاری در این منطقه را کاهش داد.

در این شرایط برای آمریکایی‌ها هم به نظر می‌رسد که دریای خزر اهمیت قبلی را ندارد. با توجه به حمله آمریکا به عراق و تسلط بر منابع نفتی این کشور بنظر می‌رسد که یکی از منابع تأمین نفت آمریکا در آینده، می‌تواند عراق باشد. تحلیلگران معتقدند که عراق می‌تواند تا سال ۲۰۰۵ روزانه ۳ میلیون بشکه نفت صادر نماید. در حالی که صادرات نفت خزر کمتر از ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده است و تا سال ۲۰۰۵ حداکثر به ۵ میلیون بشکه می‌رسد.^(۳) با توجه به این موضوع و از طرفی همکاری بیشتر آمریکا و روسیه در زمینه انرژی، به نظر می‌رسد که منطقه خزر برای آمریکایی‌ها اهمیت اولیه را ندارد. در غیاب آمریکا ایران می‌تواند نقش طبیعی و تاریخی خود را ایفا نماید، بویژه نقش اقتصادی که جغرافیای منطقه به گردن آن انداخته است. در چنین شرایطی فرصت برای حل مشکلات و منازعات منطقه‌ای فراهم می‌آید و به نوعی به همگرایی بین کشورهای منطقه کمک می‌کند و مدل‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی کشورهای منطقه مطرح می‌گردد.

بررسی بازار مصرف انرژی

موضوع تقاضای نفت و گاز در آینده نزدیک، یکی از مسائل مطرح در سیاستگذاری انرژی در دنیاست. مصرف انرژی در نقاط مختلف روبه افزایش می‌رود. در حالی که مصرف فعلی جهان روزانه ۷۰-۶۰ میلیون بشکه نفت در روز می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود سالانه ۱/۵ درصد به تقاضای جهانی انرژی افزوده شود و تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۰ به ۱۲۰ میلیون بشکه در روز برسد.^(۴) در قاره آسیا با افزایش شدید مصرف روبرو هستیم. به طوری که کشورهای پرجمعیت و در حال رشد این قاره از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی در دنیا خواهند بود. به عنوان مثال چین و هند به ترتیب دومین و ششمین مصرف‌کننده انرژی در جهان هستند.^(۵) پیش‌بینی در تقاضای هند در سال ۲۰۱۰ حدود ۴۰ الی ۷۰ میلیارد متر مکعب گاز می‌باشد. ترکیه هم به لحاظ مجاورت و هم به لحاظ مصرف انرژی بالا و هم به لحاظ مشارکت در طرح‌های انتقال منابع نفت و گاز دریای خزر اهمیت فراوانی برای این منطقه دارد. در قاره آسیا پیش‌بینی حاکی از آن است که

در ۲۰ سال آینده مصرف انرژی در کشورهای در حال رشد این قاره ۱۲۹ درصد افزایش خواهد یافت. در قاره آفریقا هم بررسی‌ها نشان می‌دهد که استفاده از نفت و گاز همچنان تسلط خود را بر حامل‌های انرژی مصرفی این قاره حفظ خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود مصرف نفت و گاز در سال ۲۰۲۰ در این قاره به ترتیب به ۴۰ و ۲۲ درصد در سید انرژی برسد و بطور کلی در رابطه با گاز طبیعی باید گفت پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که سهم آن از سبد انرژی جهانی از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۸ درصد در سال ۲۰۲۰ می‌رسد. در اروپا نیاز به گاز به عنوان یک سوخت پاکیزه هر روز بیشتر می‌گردد. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ تقاضای سالانه گاز در اروپای جنوبی و مرکزی به ۱۰ میلیارد فوت مکعب برسد. با عنایت به موارد فوق به نظر می‌رسد مناطق تولید انرژی در آینده مورد توجه بیشتر خواهند بود. بطور کلی ۷۷ درصد منابع انرژی جهان در اختیار کشورهای عضو اوپک می‌باشد.^(۶) منابع منطقه دریای خزر نیز همانطور که قبلاً بیان شد می‌تواند به عنوان یکی از مناطق تولید انرژی بر عرضه جهانی انرژی تأثیرگذار باشد. برای این منطقه دو دسته مشتری عمده وجود دارد. یک دسته کشورهای هستند که می‌خواهند تقاضای خود را برای انرژی برآورده نمایند و دسته دوم بیشتر مشتریانی هستند که می‌خواهند از وابستگی خودشان به منابع نفت و گاز خلیج فارس بکاهند. نکته مهم در خصوص بازار مصرف انرژی منطقه خزر، نحوه دسترسی به این بازارهاست که در قسمت بعدی این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دسترسی به بازار مصرف

دریای خزر به لحاظ شرایط جغرافیایی خاص خود که منطقه بسته‌ای به حساب می‌آید، یکی از مشکلات اساسی آن نحوه انتقال منابع انرژی منطقه به بازارهای مصرف بوده است. فاصله زیاد نسبت به بازارهای هدف و همچنین فقدان زیرساختهای لازم جهت انتقال منابع انرژی به بازارهای مصرف موجب کاهش تقاضای این منابع منطقه شده است. در حال حاضر بخش عمده نفت این منطقه از طریق خطوط لوله روسیه به کشورهای اروپایی صادر می‌شود و بخشی هم از

طریق تنگه بسفر به اروپای غربی صادر می‌شود. گاز منطقه هم عمدتاً از طریق خطوط لوله روسیه به غرب صادر می‌گردد. در این قسمت به تعدادی از مهمترین خطوط لوله موجود و یا در دست مطالعه و ساخت جهت انتقال منابع نفت و گاز دریای خزر به بازارهای مصرف اشاره می‌گردد.

۱. خطوط لوله باکو - نوواراسیسک

این خط لوله مجموعاً ۱۰۷۲ مایل طول دارد که یک مسیر آن از دریای سیاه و دیگری از جمهوری داغستان می‌گذرد. ظرفیت انتقال آن در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ جمعاً ۳۲۰/۰۰۰ بشکه در روز بوده و برای میزان روزانه، ۶۶۰/۰۰۰ بشکه در فاصله سالهای ۲۱۱۵-۲۰۱۰ برنامه‌ریزی شده است.

۲. کنسرسیوم خط لوله خزر

این خط لوله از قزاقستان تا نوواراسیسک و از طریق دریای سیاه عبور می‌کند این مسیر ۹۹۰ مایل طول دارد و ظرفیت فعلی آن ۵۶۵/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود در فاصله سالهای ۲۱۱۵-۲۰۱۰ روزانه ۳۴۰/۰۰۰ را بشکه نفت انتقال می‌دهد تاکنون ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از طریق این کنسرسیوم از منطقه صادر شده است. (۷)

۳. پیشنهاد صادرات به جنوب شرقی، پاکستان از راه افغانستان یا ایران

در سال ۱۹۹۷ کشورهای ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، ازبکستان یادداشت تفاهمی در این رابطه امضا نمودند. این خط لوله ۶۰۰ مایل طول دارد و می‌توانست سالانه ۷۰۰ میلیارد مترمکعب گاز را به پاکستان و احتمالاً هند انتقال دهد. این طرح با توجه به اوضاع افغانستان و تحریم‌های سازمان ملل و ادامه جنگ و بی‌ثباتی در افغانستان و سایر مسائل منطقه‌ای به حالت تعلیق درآمده است.

۴. سواپ نفت خام از طریق ایران

در این طرح که ۲۰۸ مایل لوله‌گذاری دارد نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر به بندر نکاء در شمال ایران تحویل داده می‌شود و معادل آن در خلیج فارس به آنها تحویل داده

می‌شود. ظرفیت این خطوط لوله در فاصله سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۵ روزانه ۱۵۰/۰۰۰ بشکه در نظر گرفته شده است. ایران از این طریق به ازای هر تن نفت بین ۱۱ تا ۱۶ دلار حق ترانزیت دریافت می‌کند.^(۸)

۵. خطوط لوله نفت باکو - جیحان

در حالی که مسیر ایران امن‌ترین و با صرفه‌ترین مسیر برای انتقال انرژی به حساب می‌آید تحت فشار آمریکایی‌ها این خط لوله پیشنهاد شده است. این خط لوله ۱۰۴۰ مایل طول دارد و طبق برنامه قرار است در فاصله سالهای ۲۰۱۰-۲۱۱۵ روزانه ۱۰۰۰/۰۰۰ بشکه نفت را از باکو به ترکیه انتقال دهد، تا از آن طریق به اروپا صادر گردد. با توجه به حجم نفت منطقه آذربایجان که حدود ۴/۵ میلیارد بشکه می‌باشد و تولید روزانه ۸۰۰ هزار بشکه در سال ۲۰۰۷، هزینه ساخت این لوله که ۳/۷ میلیارد دلار می‌باشد، حق ترانزیت ترکیه (۲/۲۸ دلار در هر بشکه)، هزینه عملیاتی ۱۲ دلار برای هر بشکه و همچنین بحرانهای منطقه‌ای موجود، به نظر می‌رسد که این خط لوله توجیه اقتصادی ندارد و دورنمای روشنی هم برای آن متصور نیست.

۶. خطوط لوله پیشنهادی قزاقستان، ترکمنستان، ایران

این خط لوله ۹۳۰ مایل طول دارد و طبق برنامه در صورت تکمیل در فاصله سالهای ۲۱۱۵-۲۰۱۰ می‌تواند روزانه ۱۰۰۰/۰۰۰ بشکه نفت را به جزیره خارک در خلیج فارس انتقال دهد.

۷. خط لوله باکو - سوپسا

این خط لوله نفتی از باکو در آذربایجان تا سوپسا در گرجستان ادامه دارد. طول آن خط لوله ۹۹۰ مایل و ظرفیت فعلی روزانه ۱۵/۰۰۰ بشکه بوده و برای سالهای ۲۱۱۵-۲۰۱۰ روزانه ۳۴۰/۰۰۰ بشکه برنامه‌ریزی شده است.

۸. صادرات به چین

این مسیر طولانی‌ترین خط لوله پیشنهادی در منطقه بوده و دارای ۵۰۰۰ مایل طول می‌باشد. این خط لوله از ترکمنستان شروع گردیده و پس از عبور از قزاقستان و ازبکستان به سواحل چین و یا ژاپن می‌رسد. ظرفیت این خط لوله یک تریلیون فوت مکعب گاز در سال

می‌باشد. مطالعات امکان‌سنجی این پروژه توسط اکسون، میتسوبیشی و سی.ان.پی. انجام گرفته است. اما به دلیل مشکلات ساخت سرمایه‌گذاران تمایلی به آن نشان نمی‌دهند.^(۹)

۹. مسیر ترکمنستان، قزاقستان، روسیه

صادرات گاز ترکمنستان با استفاده از خطوط لوله روسیه به اروپا انجام می‌شود. ظرفیت صادراتی این مسیر ۳/۵ تریلیون فوت مکعب در سال می‌باشد اما ترکمنستان موافقت نموده تا سال ۲۰۰۵ صادرات گاز خود از این مسیر را به ۲/۱ تریلیون فوت مکعب در سال افزایش دهد.

۱۰. صادرات گاز از مسیرهای غربی

به‌منظور استفاده بیشتر کشورهای آسیای مرکزی از خطوط لوله روسیه برای انتقال گاز طبیعی خود، این طرح با حمایت آمریکا پیشنهاد شده است. در سال ۱۹۹۹ به موجب توافقی که بین کشورهای آذربایجان، گرجستان، ترکیه و ترکمنستان به امضا رسید این خط لوله که ۱۰ مایل طول دارد، قرار است ۱/۱ تریلیون فوت مکعب گاز را در سال انتقال دهد. مطالعات امکان‌سنجی این طرح انجام شده است. اما اختلاف نظر اعضای درگیر در این پروژه، فقدان چارچوب قانونی حاکم بر نحوه استفاده از دریای خزر و مخالفت کشورهای ساحلی دریا با این خط لوله از مشکلات عمده این طرح به‌شمار می‌روند.

۱۱. طرحهایی در زمینه انتقال گاز ترکمنستان به ایران

طرحهای دیگری در زمینه انتقال گاز ترکمنستان به ایران مطرح هستند که می‌توان به خطوط لوله ترکمنستان - ایران (کردکوی)، ترکمنستان - ایران (تهران) و ترکمنستان - ایران (تبریز) اشاره کرد.

چالشهای موجود برای سرمایه‌گذاری در این منطقه

همانطور که در بخشهای قبلی بیان شد میزان تولید نفت گاز منطقه دریای خزر می‌تواند به مراتب بیشتر از میزان فعلی باشد. اما بهره‌برداری بیشتر از ذخایر نفتی این منطقه با محدودیتهایی روبروست که به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. یک دسته از محدودیت مرتبط

به شرایط خاص جغرافیایی این دریا می‌باشند و دسته دوم محدودیتها مربوط به رژیم حقوقی جدید این دریا پس از فروپاشی شوروی سابق می‌باشد. در این قسمت به برخی از چالشهای موجود اشاره می‌گردد.

۱. رژیم حقوقی

یکی از موانع عمده بهره برداری از منابع دریای خزر مسئله تعیین رژیم حقوقی جدید این دریاست. قبل از فروپاشی شوروی سابق طبق قراردادهای ۱۹۲۱-۱۹۴۰ میان ایران و شوروی سابق عمل می‌شد و مشکل خاصی هم وجود نداشت. در این قراردادها به بهره‌برداری از منابع نفت و گاز اشاره‌ای نشده است و موضوع مورد علاقه دو کشور در آن زمان بیشتر تنظیم ضوابط مربوط به کشتیرانی و ماهیگیری بود. فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای جدید مستقل در کنار این دریا و از طرف دیگر کشف منابع نفت و گاز در این دریا در دهه‌های اخیر باعث شد که این دریا وضعیت متفاوتی پیدا نماید. از یک طرف کشورهای حاشیه دریا از مشکلات اقتصادی عمیق و متعدد رنج می‌برند از طرف دیگر خلاء قانونی در قوانین بین‌المللی برای تقسیم این دریا، به مشکلات موجود دامن می‌زد. این دریا در ضوابط و قوانین مربوط به بهره‌برداری از دریاها نمی‌گنجد. در چنین شرایطی براساس قوانین جهانی، کشورهای ذینفع باید خود به توافقی عادلانه و متناسب با منافع خود دست یابند و با توجه به عرفهای بین‌المللی این دریا را به گونه‌ای تقسیم کنند که هر دولت ساحلی از حق حاکمیت انحصاری بر منابع بیولوژیکی و طبیعی و آبهای سطحی و کشتیرانی در مناطق ملی برخوردار شود. نمونه این کار در تقسیم دریاچه‌های بزرگ بین آمریکا و کانادا، دریاچه بین کامرون، چاد، نیجر و نیجریه، و دریاچه ژنو بین سوئیس و فرانسه اعلام شده است.

در رابطه با رژیم حقوقی دریای خزر در طول یک دهه گذشته اقدامات فراوانی انجام پذیرفته و جلسات متعددی در سطوح مختلف بین کشورهای ساحلی برگزار گردیده است اما تاکنون به نتیجه قابل قبول همگان دست نیافته است. پنج کشور ساحلی در ظاهر مخالفتی با

تعیین رژیم حقوقی ندارند اما در عمل، اختلاف بر سر تعیین سهم هر کشور سبب شده است که توافقی حاصل نشود و دورنمای دستیابی به چنین توافقی نیز روشن نیست. کشورهای ساحلی هر کدام فرمول خاصی برای تقسیم این دریا ارائه کرده‌اند و برای بهره‌برداری از منابع این دریا توافقاتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه‌ای نیز امضا نموده‌اند، در این میان تنها کشور ایران هنوز اقدام به بهره‌برداری از این منطقه نکرده است و تقریباً تنها مانده است. ایران ابتدا سهم ۵۰ درصدی را مطالبه کرد اما بعداً تقسیم مساوی ۲۰ درصدی را ارائه کرد که هیچ‌کدام مورد توافق قرار نگرفت و در یک مورد در خصوص حوزه نفتی البرز تا مرز درگیری نظامی با جمهوری آذربایجان پیش رفت. به هر حال این موضوع به عنوان یک چالش اساسی هم برای استخراج و هم برای انتقال منابع این منطقه مطرح می‌باشد. با توجه به اینکه عدم حل اختلافات مرزی میان کشورهای ساحلی هرج و مرج را بر منطقه حاکم می‌کند و باعث خواهد شد تفکرات امنیتی و نظامی بر منطقه حاکم شود. طبیعی است که در چنین فضای ناامنی کسی حاضر به سرمایه‌گذاری نیست و در نتیجه بجای رشد و توسعه اقتصادی منطقه شاهد افزایش هزینه‌های نظامی، رشد قوم‌گرایی، قاچاق مواد مخدر، درگیری‌های مرزی و ... خواهیم بود بنابراین ضرورت دارد کشورهای ساحلی هرچه سریع‌تر برای این مشکل راه‌کاری پیدا نمایند.

۲. رقابت

یکی از مباحث عمده در خصوص سرمایه‌گذاری در منطقه خزر به وضعیت تولید نفت در سایر مناطق برمی‌گردد. در خصوص عرضه نفت، شاهد افزایش تولید کشورهای عضو اوپک هستیم که ۷۷ درصد ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند. با توجه به اینکه کشورهای عضو اوپک طرح‌های بزرگی برای افزایش تولید نفت و گاز در دست اقدام دارند، به نظر می‌رسد که تولید نفت این منطقه در آینده افزایش خواهد یافت. البته تولید سایر مناطق نظیر آفریقای غربی، دریای شمال و خلیج مکزیک نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در این رابطه کشورهای حوزه دریای خزر باید مراقب باشند که با رقبای قدرتمندی روبرو

هستند که منابع بیشتری در اختیار دارند و با هزینه کمتری تولید می‌کنند. با توجه به شرایط رقابتی حاکم بر بازار انرژی، کشورهای حاشیه دریای خزر از این نظر، با چالش عمده روبرو هستند. در جدول شماره ۴ افزایش تولید کشورهای عضو اوپک در فاصله سالهای ۲۰۰۵-۱۹۹۸ نشان داده شده است. (۱۰)

جدول شماره ۴

کشور	میلیون بشکه در روز (۱۹۹۸-۲۰۰۵)
الجزایر	۰/۵
اندونزی	-
ایران	۱/۶
عراق*	۱-۴/۱
کویت	۰/۹
لیبی	۰/۵
نیجریه	۰/۶
قطر	۰/۳
عربستان	۰/۸
امارات متحده عربی	۰/۹
ونزوئلا	۶/۶
جمع	۵/۵-۸/۶

* تولید عراق بسته به شرایط این کشور بین ۱-۴/۱ میلیون بشکه متغیر می‌باشد.

۳. هزینه تولید و انتقال انرژی

یکی از مشکلات موجود در استخراج و انتقال انرژی در منطقه دریای خزر بالا بودن هزینه تولید و انتقال انرژی می‌باشد. میادین نفتی این دریا عمدتاً در مناطق دور دست و عمیق

کشف شده‌اند بطوریکه استخراج انرژی با استفاده از فن‌آوری پیشرفته و صرف هزینه بالا امکان‌پذیر می‌باشد. از طرف دیگر با توجه به شرایط جغرافیائی منطقه و دور بودن از بازارهای مصرف، باید با استفاده از خطوط لوله طولانی و گذر از میان چندین کشور، انرژی این منطقه را به بازارهای هدف رسانید، که این موضوع هم هزینه سرمایه‌گذاری خطوط لوله را شدیداً افزایش می‌دهد و هم حق ترانزیت کشورهای محل عبور خطوط لوله را افزایش می‌دهد. در خصوص هزینه‌های تولید به استثنای حوزه نفتی تنگیز که هزینه آن پایین و حدود ۲ دلار در هر بشکه می‌باشد، هزینه تولید اکثر مناطق این دریا حدود بشکه‌ای ۵ دلار و بیشتر می‌باشد. از این نظر می‌توان این منطقه را با دریای شمال مقایسه نمود. در فاصله سالهای ۸۰-۱۹۷۰ مجموع هزینه‌های ثابت و متغیر تولید در دریای شمال حدود بشکه‌ای ۶ دلار بود و در همین فاصله زمانی، هزینه تولید در خلیج فارس بشکه‌ای ۱ دلار بوده است. بطوریکه در قیمت فروش ۲۰-۱۸ دلار در هر بشکه شرکت‌های نفتی از حاشیه سود بالائی برخوردار بودند.^(۱۰)

با عنایت به آنچه مطرح شد و با توجه به اینکه هزینه‌های تولید و انتقال به عنوان یکی از عوامل اصلی رقابت در بازار انرژی مطرح می‌باشند، به نظر می‌رسد که منطقه دریای خزر از این نظر برای سرمایه‌گذاران جذابیت ندارد. در چنین شرایطی دارندگان منابع انرژی باید دقت داشته باشند که دریای خزر تنها به عنوان یک گزینه برای شرکت‌های سرمایه‌گذار نفتی مطرح است و مناطق دیگری وجود دارند که می‌توانند این شرکت‌ها را به سوی خود جلب نمایند. با چنین وضعی کشورهای ساحلی این دریا می‌توانند با ایجاد تسهیلات قانونی و مالی برای شرکت‌های نفتی آنان را نسبت به سرمایه‌گذاری در منابع نفت و گاز این دریا تشویق نمایند.

۴. بحران‌های منطقه‌ای

پس از فروپاشی شوروی سابق و ظهور کشورهای جدید و مستقل در حاشیه این دریا، این منطقه فصل جدیدی از حیات خود را آغاز کرده است. حوادث و اتفاقاتی در این منطقه روی داده است که سرمایه‌گذاری در این منطقه را با چالش روبرو کرده است. از مهمترین بحران‌های موجود در این منطقه می‌توان به بحران چین، درگیری‌های داغستان، بحران قره‌باغ، اختلاف نظر

کشورهای ساحلی در خصوص مالکیت میادین نفت و گاز، حضور نظامی آمریکا در عراق و افغانستان، مناقشه هند و پاکستان به عنوان دو قدرت هسته‌ای که عضو معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای هم نیستند، توان هسته‌ای روسیه و تمایل به نفوذ و کنترل سنتی خود بر کشورهای جدید حاشیه دریا، روابط خصمانه ایران، آمریکا و اسرائیل و عدم استقلال کشورهای حاشیه دریا در تصمیم‌گیری اشاره نمود. با وجود چنین شرایط طبیعی است که سرمایه‌گذاری در این منطقه از ثبات و امنیت برخوردار نخواهد بود.

۵. سیاسی بودن تصمیم‌گیری‌ها

از چالش‌های موجود در رابطه با سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز منطقه دریای خزر، تلاش کشورهای درگیر برای کسب نفوذ سیاسی بیشتر می‌باشد. روسها با منحصر کردن مسیرهای صادرات از سرزمین خود مایلند مالکیت و کنترل و نفوذ سنتی خود بر منطقه را تداوم بخشند و از طرف دیگر آمریکا نیز به عنوان یک رقیب جدید وارد منطقه شده است و از مسیرهایی برای انتقال انرژی در منطقه حمایت می‌کند که در راستای اهداف بلند مدت خود می‌باشد. در حالی که ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود یعنی همجواری با کشورهای ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه و افغانستان، افزایش مصرف فرآورده‌های نفتی در داخل و دارا بودن شبکه گسترده خطوط لوله انتقال نفت و گاز، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر انتقال انرژی برای این منطقه محسوب می‌گردد. آمریکا از طرح‌هایی نظیر خط لوله باکو-جبهان حمایت می‌کند که با توجه به بررسی‌های انجام گرفته توجیه اقتصادی ندارد و با این اقدامات کشورهای این منطقه از حداکثر بهره‌برداری از منابع انرژی خود محروم شده‌اند. در حالی که این کشورها می‌توانند در زمینه توسعه و ساخت خطوط لوله در منطقه مشارکت نموده و نفت و گاز خود را به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برسانند. با اتخاذ چنین رویکردی علاوه بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای ساحلی، همبستگی اقتصادی و وابستگی متقابل در منطقه ایجاد می‌گردد و دستاورد مهم‌تر که صلح و ثبات در منطقه است نیز بدست خواهد آمد.